

اوقات فراغت

مقاله اوقات فراغت را همکار عزیزمان آقای علی پور جعفر دبیر علوم اجتماعی دبیرستان توحید رودسر برای ما فرستاده‌اند. این همکار محترم در نامه خودشان قید کرده‌اند که ویراستاری این مقاله را آقای عطاءالله پور حاجی انجام داده است. هیئت تحریر به رشد آموزش علوم اجتماعی، برای این همکاران آرزوی توفیق دارد و در انتظار دریافت مقالات پژوهشی دیگری در آینده می‌باشد.

از: علی پور جعفر، دبیر علوم اجتماعی دبیرستان توحید رودسر

جالب توجه دیگر، همراه با عوامل اجرایی، در جهت سپری کردن اوقات فراغت تدارک دیده می‌شود.

اهمیت و اهداف اوقات فراغت

قطعاً این همه توجه و صرف بودجه‌های کلان دارای اهداف خاصی می‌باشد. ساده گفتار اینکه؛ بطور کلی وسایلی را که ما اوقات فراغت خود را با آن سپری می‌کنیم، در واقع نمایشگاهی محسوب می‌شود که عصاره و چکیده تلاشها و پژوهشهای افراد و یا گروههای اجتماعی - آنها با زبان هنر، بطریقی که زیبا و دلپسند باشد - در آن به نمایش گذاشته می‌شود.

بعبارت دیگر: در اوقات فراغت و بیکاری با حاصل کوشش و تلاش مداوم دیگران آشنائی پیدا می‌کنیم و این از چند جهت حائز اهمیت است که فهرست وار بدان اشاره می‌شود.

۱ - با دنیای خارج از فعالیت خود آشنا می‌شویم.

۲ - از یافته‌های دیگران، سود می‌جوئیم که خود، یک نوع آموزش غیر مستقیم محسوب

اهمیت گذراندن اوقات فراغت، در گذشته و حال

مطالعه سرگذشت اقوام و ملل پیشین، نشان می‌دهد که، آنها نیز به اهمیت گذراندن اوقات فراغت کاملاً واقف بودند، بطوریکه آداب و رسوم و سنتهای مذهبی، بازیها و سرگرمیها، اعیاد و جشنها، میدانهای ورزشی و نظایر اینها که از اقوام سابق، بجا مانده است؛ حکایت دارد که، آنها پس از انجام کارهای روزمره و یا پس از فراغت از کار و تلاش هفتگی یا فصلی، اوقات بیکاری خود را بنحوی از انحاء سپری می‌کردند و حتی بسیاری از آنها هنوز هم متداول است و طرفداران بیشماری دارد.

در عصر حاضر نیز چنانکه شاهد آن هستیم، روز بروز بر اهمیت گذراندن اوقات فراغت افزوده می‌گردد و توجه بیشتری بدان مبذول می‌شود، تا جائیکه با برنامه‌ریزی دقیق و حساب شده، با اختصاص دادن بودجه‌های کلان و تهیه اماکن وسیع نظیر میدانهای ورزشی، موزه، نمایشگاه، سینما و تئاتر، کتابخانه، رادیو، تلویزیون و پارک و غیره و همچنین اجرای برنامه‌های متنوع و پُر هزینه، از طریق وسایل ارتباط جمعی و دهها نمونه

مطابق سنن و قوانین اجتماعی از دیرباز رسم بر این است که هر کس پس از انجام کار روزانه، مقداری وقتهای بیکاری در اختیار دارد و همچنین یک روز و گاه چند روز در هفته، بعنوان تعطیلات رسمی باین اوقات بیکاری اضافه می‌شود که به «اوقات فراغت» مشهور است؛ و اعضای هر خانواده متناسب وضعیت شغلی، شرایط سنی و جنسی، میزان تحصیلات، درآمد، اعتقادات مذهبی، محیط جغرافیائی و با در نظر گرفتن وضعیتهای دیگر، در نحوه سپری کردن این اوقات تصمیم می‌گیرند. از جمله به نظافت شخصی، تفریح و مسافرت، زیارت اماکن متبرکه، شرکت در مراسم مذهبی، مطالعه و پژوهش، بازی و سرگرمی، استراحت و مهمانی، بازدید از نمایشگاه، تماشای مسابقات ورزشی، دیدن برنامه‌های تلویزیون و غیره می‌گذرانند که هم خستگی کار روزانه را از تن بیرون می‌کند و هم خود را برای تلاش و فعالیت روزمره آماده می‌سازد. در این رهگذر ایام ضمن تفریح و استراحت، با لذت و علاقه، از هنر دیگران بهره می‌برند که در پرورش و رشد فکری و جسمی افراد، فوق‌العاده مؤثر است!

می‌گردد.

۳ - در رشد فکری و جسمی نوجوانان و جوانان تأثیر بسزایی دارد.

۴ - دیدن آثار دیگران، ذوق و استعداد های نهفته انسان را، شکوفا می‌کند. شکوفائی استعدادها، عامل اصلی پرورش دانشمند، محقق، نویسنده، مخترع و مبتکر و غیره می‌باشد؛ همین استعدادها اگر تشویق و تقویت بشوند، می‌توانند با اختراع و ابتکار خود، نیازهای مادی و معنوی افراد جامعه را، در زمینه‌های گوناگون برآورده سازند.

۵ - الگوهای مثبت و رایج زندگی که بر اساس ارزشها و اصول حاکم بر جامعه تهیه شده است. چون با زبان هنر ارائه می‌گردد، طبیعتاً در جلب افراد بسیار مؤثر است. بنابراین می‌تواند از یک جهت در تربیت و پرورش انسانهای نمونه مفید واقع گردد و از جهت دیگر، دقیقاً از بسیاری مفاسد و معضلات اجتماعی جلوگیری بعمل آورد.

۶ - برپائی همین نمایشگاهها و آثار ارائه شده، در شکل و قالبهای متفاوت، سبب می‌شود، میان افراد جوامع گوناگون، در زمینه‌های مختلف، تبادل فرهنگی صورت پذیرد. چون از این طریق با سطح پیشرفتهای بین‌المللی و معیارهای پیشرفت جهانی آشنائی پیدا می‌کند، می‌تواند در غنای فرهنگ و تمدن یک جامعه فوق‌العاده مشرثر واقع گردد. در غیر اینصورت، ناچار باید لقب عقب‌مانده را پذیرفت!؟

۷ - برای گسترش ارزشهای انقلاب اسلامی ایران و اشاعه فرهنگ و تمدن اسلامی، در عرصه بین‌المللی، شیوه بسیار مطلوبی بحساب می‌آید.

یکی از بهترین شیوه‌ها، برای صدور انقلاب اسلامی محسوب می‌شود که از اهداف برجسته نظام جمهوری اسلامی ایران بشمار می‌رود!

۸ - میان گروهها و اقشار مختلف جامعه

ارتباط و هماهنگی ایجاد می‌کند که هم در پیشبرد سیاستها و برنامه‌های جاری مملکت ما مفید هست و هم وحدت مورد نظر جامعه را، تحقق می‌بخشد.

۹ - یکی از اهداف مهم اوقات فراغت، حفظ میراثهای کهن، فرهنگ و تمدن جامعه و همچنین انتقال آن از نسلی به نسل دیگر می‌باشد که نتیجتاً، استقلال فرهنگی یک جامعه را تضمین می‌کند.

پُر واضح است، ملت‌ای که استقلال فرهنگی نداشته باشد، محال است بتواند، با استقلال سیاسی، اقتصادی، نظامی... دست یابد.

استقلال فرهنگی، تا آنجا حائز اهمیت است که لبه تیز استعمار در وهله اول متوجه فرهنگ جامعه می‌باشد. از این جهت است که، دولت مردان نظام جمهوری اسلامی ایران، این همه، روی مسئله فرهنگ تأکید دارند.

ساده گفتار اینکه؛ اوقات فراغت، از یکسو دامیست برای استعمار و از سوی دیگر، میدانیست برای استقلال!؟!

شیوه گذراندن اوقات فراغت در کشورهای غربی

شیوه گذراندن اوقات فراغت در کشورهای غربی تنها تفریح کردن و سرگرمی محض، مورد نظر است؛ بویژه در جوامع زیر نفوذ خود، خوشگذرانی، عیاشی و لهو و لعب را اشاعه می‌دهند تا هم فرصت اندیشیدن و خلاقیت و ابتکار از میان برود و هم از کلیه مسائلی که در مملکت اتفاق می‌افتد غافل باشند.

بطور مسلم، این شیوه، موجودیت انسان را بخطر می‌اندازد و انسانیت انسان را از مسیر اصلی تکامل منحرف می‌کند و رسیدن به کمال مطلوب را مختل می‌سازد. و این دقیقاً همان چیزیست که استعمار طالب آن است.

در واقع با همین ترفند شیطان‌ی ملت‌های

دیگر را عقب نگه‌میدارد تا پیشرفته بودن خود را باثبات برساند. این تجربه تلخ را نه تنها جامعه ما، بلکه بسیاری از جامعه‌های کنونی عصر حاضر نیز، آزموده‌اند.

اهمیت اوقات فراغت در نظام جمهوری اسلامی ایران

همانطوریکه شاهد آن هستیم، در کشور ما، برای گذراندن اوقات فراغت، اهمیت زیادی قائل هستند، بطوریکه تهیه و تنظیم یک سلسله برنامه‌های مداوم و فراگیر، ایجاد اسکان و میادین، تدارک و تهیه بسیاری از ابزار و وسایل، برپائی نمایشگاههای متنوع درون مرزی و برون مرزی، در زمینه‌های گوناگون، اختصاص بودجه‌های کلان باین امر و همچنین تربیت نیروی انسانی در چارچوب نهادها و سازمانهای وابسته که با هماهنگی‌های لازم، در سپری کردن اوقات فراغت، تلاش می‌کنند.

پیامدهای عدم توجه به اوقات فراغت

انسان فطرتاً دارای یک سلسله ذوق‌ها و استعداد های نهفته می‌باشد. که اگر زمینه برای رشد آماده باشد، شکوفا می‌گردد.

در این میان تعداد قلیلی از افراد، موفق به کشف استعداد خود می‌شوند و برای بارور ساختن استعداد خود، با عشق و علاقه، تمام اوقات خود را صرف مطالعه و تحقیق می‌کنند و از تمام علایق و لذایذ زندگی چشم می‌پوشند و با تحمل دشواریهای فراوان، موفق به خلق اثری می‌شوند. ناگفته پیداست، آثار به جا مانده‌ی این تعداد از دانشمندان و محققین، فوق‌العاده ارزشمند است. اما این شیوه از عهده خیلی‌ها خارج است؛ البته این بدان معنا نیست که برای بارور ساختن هر استعدادی باید از همه چیز چشم پوشید و دشواریها و سختی‌های فراوان را تحمل نمود. چون در عصر حاضر تعداد زیادی از دانشمندان و



نداشته باشد و همیشه مشغول انجام وظایفی باشد که بعنوان کار موظف محسوب شود، طبیعتاً خستگی جسمی و فکری مجالی برای اندیشیدن و تجربه کردن باقی نمیگذارد! بدتر اینکه، نمیتواند از آثار ارائه شده دیگران هم استفاده کند که لااقل بر تجربه و غنای فکری خود بیفزاید.

پیامدهای عدم توجه به اوقات فراغت را می‌توان به ترتیب زیر برشمرد:

اول اینکه ذوق و استعدادهاى افراد باندازه نیاز جامعه، شکوفا و بارور نمی‌گردد به همین دلیل، اینگونه جوامع با کمبود دانشمند، پژوهشگر، مبتکر و نوآور، مواجه میشوند. با این کیفیت قادر نیست تا نیازهای مادی و معنوی افراد جامعه را برآورده سازد و ناچار،

با سرعت رشد میکند که نمی‌توان با تعداد اندکی از محقق خودساخته کلیه نیازهای جامعه بشری را تأمین نمود!

بنابراین لازم است، هرکس ضمن اینکه، کار روزانه را بانجام میرساند از تسهیلات و امکانات موجود استفاده کند تا بتواند، متعادل رشد و سرعت زندگی، نیازهای مادی و معنوی جامعه بشری را تأمین نماید؛ و این امر ممکن نمیگردد مگر در اوقات بیکاری و فراغت!

چون هرکس در کار روزانه، وظایفی را بانجام میرساند که قانون و مقررات، حدود آنرا تعیین نموده است. برای اینکه ذوق و استعدادی بارور شود، ناچار باید از اوقات فراغت و بیکاری استفاده گردد تا در این فرصت، مطالعه و تحقیق و تجربه کند. حال اگر در اصل بیکاری و فراغتی وجود

پژوهشگران وجود دارند که در زمینه‌های گوناگون آثار ارزشمندی را خلق نموده‌اند، بدون آنکه متحمل دشواریهای آنچنانی شده باشند و یا از علایق و لذایذ زندگی چشم پوشیده باشند و اکثر این دانشمندان حتی کار موظف روزانه خود را نیز بنحو احسن انجام می‌دهند و تنها اوقات بیکاری خود را صرف شکوفا کردن و بارور ساختن استعداد می‌نموده‌اند.

بعبارت ساده اینکه: پیشرفتهای عصر کنونی تسهیلاتی را فراهم نموده است که لازم نیست، پژوهشگر و محقق، مانند دوران قدیم، خیلی از دشواریها را تحمل کند تا اثری خلق نماید.

بعلاوه، رشد جمعیت، پیچیدگی زندگی، نیازهای متنوع و روزافزون جامعه بشری چنان

دنیا له‌رو و مقصد می‌گردد که استقلال جامعه را
بخاطر میاندازد.

دوم اینکه؛ نهادها و سازمان‌های،
مسئولیت برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت
افراد جامعه را بعهده دارند تا از این طریق،
دانشها و ارزشهای جامعه را منتقل کنند و بر
غناي فرهنگ و تمدن جامعه بیفزایند، رسالت
خود را هر چند که بنحو مطلوب بانجام برسانند
اما عملاً در بسیاری زمینه‌ها، بلااستفاده باقی
میمانند و از اینجهت نیز نتیجه مطلوبی نخواهد
داشت!

سوم اینکه؛ هر جامعه‌ای برای پیشبرد
کارهای مملکتی نیاز مبرم به تعداد زیادی از
نیروهای ماهر و کارآمد دارد که معمولاً اکثریت
افراد جامعه را تشکیل میدهند و باید ذوق و
استعدادهای این دسته از افراد را در زمینه‌های
گوناگون پرورش داد تا بتوانند، از تجربیات و
نوآوریهای دیگران استفاده کنند و در پیشبرد
سریع کارها و نیز برای بازدهی بهتر بکار
بندند. اما اگر بعلمت مشغله زیاد و خستگی‌های
جسمی و فکری ناشی از کار، فرصت و مجال
بهره‌گیری از نوآوریها و تجربیات را نداشته
باشند، ذوق و استعداد رشد نمیکنند طبیعتاً
راندمان کار پائین می‌آید و در برنامه‌های
پیش‌بینی شده اختلال بوجود می‌آورد.

بدلیل اینکه، این سه عامل (۱- نیروی
انسانی خلاق و مبتکر. ۲- نهاد و سازمانیکه
این آثار را به جامعه منتقل کند. ۳- نیروی
کارآمد که باید از این خلاقیت و ابتکار بهره
بگیرد.) در اصل باید در میدان اوقات فراغت،
بصورت یک فرآیند فعال، گردش کاری ایجاد
کنند تا اینکه بازدهی مفیدی داشته باشد. اگر
پنانهچه میدان این فرآیند، یعنی اوقات فراغت
وجود نداشته باشد، هر عامل در بافتی جداگانه
فعالیت میکنند و ارتباطی با هم نخواهند داشت
و همین امر باعث میشود بسجای احساس
مسئولیت، دلسوزی، فداکاری، تعهد به

خدمت... نا خودآگاه بی‌تفاوتی جایگزین گردد.
بی‌تفاوتی خطرناکترین آفت جامعه
محسوب میشود که کل نظام یک مملکت را
مختل میسازد. ساده گفتار اینکه اگر از اوقات
فراغت به طرز صحیح استفاده نشود نتیجه کار
معلوم است!

آموزش و پرورش و اوقات فراغت
در نظام آموزش و پرورش، امور تربیتی با
ایجاد واحدهای مختلف نظیر، واحدهای
فرهنگی - هنری، ورزشی، اردوئی،
کتابخانه... غیره، از طریق مربیان پرورشی در
سطح مدارس، فعالیت‌های فوق برنامه درسی
دانش‌آموزان را در سطح گسترده‌ای زیر
پوشش قرار میدهد.

همچنین وزارت آموزش و پرورش، فضای
آزاد و سالمی را متناسب با شخصیت، ذوق،
علاقه و استعداد دانش‌آموزان، در فضائی
خارج از محیط مدرسه، بنام کانون پرورشی
ایجاد نموده است.

کانونهای پرورشی، برای اینکه اوقات
فراغت دانش‌آموزان، بیهوده سپری نشود و
ذوق و استعداد آینده‌سازان به هدر نرود،
کلاسهای متنوعی را نظیر؛ کلاس قرآن، خط،
نقاشی، تئاتر، سینما، عکاسی، موسیقی، ورزش،
هنرهای دستی، تشکیل انجمن‌های ادبی مثل،
شعر و قصه و مقاله‌نویسی و روزنامه‌نگاری و
کلاسهای فنی و الکترونیک و نظایر اینها دایر
نموده است. دانش‌آموزان مقاطع مختلف
تحصیلی، برای سپری کردن اوقات فراغت
خود، میتوانند آزادانه بر حسب ذوق و استعداد
خود، در یک یا چند رشته شرکت کنند و زیر
نظر مربیان مربوطه تعلیم ببینند تا اینکه این
استعدادها بطرز صحیح بارور گردند.

فضای ایجاد شده، درواقع مدرسه دومی
بشمار می‌آید. با این تفاوت که دانش‌آموز در
کانون، آزادانه در زمینه مورد علاقه خود

فعالیت می‌کند.

بدیگر سخن، کانون‌های پرورشی یکی از
ایده‌آلهای جامعه ماست که بواقعیت تبدیل
میشود و از جهات مختلف میتواند مفید و
ارزنده باشد.

* کانونهای پرورشی در تسریت
دانش‌آموزان بسیار مؤثر است.

* روابط اجتماعی آنان را انستظام
می‌بخشد.

* ذوق و استعدادها را در زمینه موردعلاقه
آنها، شکوفا و بارور میسازد.

* مطالبی را که در کلاس درس آموزش
دیده است، میتواند با یاری مربیان مربوطه،
مطالعه و تحقیق کند.

* از کجرویهای احتمالی جلوگیری بعمل
آورد.

* در رشد جسمی و فکری دانش‌آموزان
تأثیر بسزائی دارد که در نهایت از هر جهت به
نفع جامعه میباشد.

بنابراین نهاد آموزش و پرورش، از طریق
دو کانال، با بهره‌گیری از اوقات فراغت، در
پرورش و شکوفا کردن استعدادهای نسل
آینده، نقش مفید و سازنده‌ای را ایفا می‌کند.

اوقات فراغت دانش‌آموزان بستگی به
وضعیت درسی آنها دارد، از این جهت لازم
است ابتدا، وضعیت کلاس درس و تکالیف
تعیین شده دانش‌آموزان مورد بررسی قرار
گیرد تا مشخص شود، چه مقدار از وقت روزانه
را میتواند آزادانه به فعالیت موردعلاقه خود
بپردازد.

اشاره باینکه، این بررسی بیشتر شامل
مقطع دبیرستان میباشد. گرچه مقطع راهنمایی
تحصیلی و ابتدائی نیز وضعیتی مشابه دارند.

کلاس درس رسمی، از ساعت ۸ صبح
آغاز و تا ساعت ۱/۵ بعد از ظهر ادامه دارد
البته بعضی روزها تا ساعت ۳ بعد از ظهر نیز
بطول میانجامد که در ازاء هر ۱/۵ (یک و نیم)



ساعت یک زنگ بحساب می‌آید و یک کتاب تدریس میشود که بطور متعادل در روز ۳ کتاب و گاه ۴ کتاب تدریس میگردد. تقریباً ۸۰٪ دانش‌آموزان دبیرستان از مسافتی دور می‌آیند و مقدار زیادی از وقتشان صرف رفت و آمد میشود و چنانچه وقتی که صرف غذا خوردن و نظافت شخصی میشود، بآن اضافه کنیم، می‌بینیم، اکثر ساعات روز را چه مستقیم و چه غیرمستقیم در اختیار مدرسه میباشد.

با توجه به روزهای کوتاه پائیز و زمستان، یکی دو ساعت از وقت روز باقی میماند که آنهم باید حداقل ۳ کتاب درسی را برای فردا آماده کند و شبها برای کمتر خانواده‌ای مقدور است که برای فرزندان خود اطاق مطالعه تهیه نمایند. با این حساب، اولاً این همه صرف وقت برای فعالیت رسمی، آنهم برای سن و سال با انرژی و پُرحرارت دوران نوجوانی، بیش از توان آنهاست و خستگی ناشی از این تلاش دیگر توانی برای فعالیت دیگر باقی نمیگذارد!

ثانیاً؛ اگر تمام وقت باقیمانده را صرف

آماده کردن درسهای فردا کند، باز هم نمیتواند موفق باشد و حتی دانش‌آموزان درس خوان که با این شرایط نفراتشان بسیار اندک است - از این مشکل رنج میبرند.

ناچار میبایست، از جمعه و تعطیلات دیگر، برای جبران درسهای عقب‌مانده، استفاده کنند. با در نظر گرفتن موارد فوق، چگونه میتوان انتظار داشت که دانش‌آموز بسدنیال مطالعه و تحقیق برود در حالیکه، اصلاً وقتی برایش باقی نمی‌ماند تا حتی تکالیف روزانه‌اش را بانجام برساند، تا چه رسد باینکه، با اندوخته علمی دیگران آشنائی پیدا کند؟! بعلاوه، با برنامه‌ریزی انجام شده، تهیه وسایل و تدارک امکانات، اختصاص بودجه، نیروی انسانی و عوامل دیگر، انتظار میرود که فضای دیگری باز کنیم تا دانش‌آموز در اوقات فراغت و بیکاری، بتواند به فعالیتهای فوق‌برنامه درسی، نظیر فعالیتهای مذهبی، ورزشی، هنری و غیره بپردازد؟!!

همانطوریکه در بحث‌های پیشین ذکر شد، فعالیتهای فوق‌برنامه درسی، مخصوصاً در

سنین نوجوانی و جوانی، هم ذوق و استعداد آنان را در زمینه‌های گوناگون بارور میسازد و هم در رشد جسمی و فکری و همچنین در تکمیل شخصیت آنان فوق‌العاده تأثیر دارد.

اما نکته اینجاست!! آیا دانش‌آموزان، در اصل اوقات فراغت دارند که به فعالیتهای غیردرسی بپردازند؟!!

بطوریکه مشاهده می‌کنیم همین مقدار درس و کلاس و مدرسه، در جای خود، بیش از توان و ظرفیت جسمی و فکری دانش‌آموزان میباشد! واقعیت این است که، دانش‌آموز برای آماده کردن درس کلاسی، واقعاً عاجز است! و در اصل اوقات فراغتی باقی نمیماند تا دانش‌آموز، بطور کلی برای غیر از کتاب درسی صرف کند و عملاً این همه برنامه‌ریزی و امکانات، با عدم استقبال مواجه میشود. و اگر این روند با همین کیفیت ادامه یابد، برخلاف انتظار بازدهی مطلوبی نخواهد داشت!

اگر چنانچه، تعدادی جذب بعضی از فعالیتهای غیردرسی شوند و مدتی در زمینه موردعلاقه‌شان فعالیت کنند، از تحصیل عقب

آرشیو جمعیت

(۳)

سعید سبزیان

در دو شماره قبلی مجله رشد علوم اجتماعی اطلاعاتی آماری از شاخصهای مهم جمعیتی به تفکیک مناطق عمده جهان مطرح شد. در این شماره با مراجعه به آرشیو جمعیتی سازمان ملل، شاخصهای مهم جمعیتی را به تفکیک کشورهای ملاحظه می‌کنیم. چون ارائه اطلاعات و آمار کلیه کشورهای جهان در یک شماره مقدور نیست بنابراین بهتر دیدیم که در هر شماره، اطلاعات کشورهای یکی از قاره‌های پنجگانه را بیاوریم؛ و در این شماره نگاهی داریم به پرجمعیت‌ترین قاره جهان یعنی قاره آسیا.

قبل از ملاحظه جمعیت کشورهای آسیا، بهتر است شناختی از هر یک از شاخص‌های مذکور در واژگان سالنامه جمعیتی سازمان ملل داشته باشیم.

نرخ افزایش سالانه جمعیت: عبارت است از تعداد افزایش جمعیت نسبت به صد نفر جمعیت متوسط سال

تراکم جمعیت: عبارت است از تعداد جمعیت متوسط سال نسبت به کل مساحت کشور بر حسب کیلومتر.

نرخ ازدواج: عبارت است از تعداد ازدواج نسبت به هزار نفر جمعیت متوسط سال.

نرخ طلاق: عبارت است از تعداد طلاق نسبت به هزار نفر جمعیت متوسط سال

نرخ خام ولادت: عبارت است از تعداد

از تحصیل کرده‌ها تا چندین سال بعد از فارغ‌التحصیل شدن هنوز حوصله مطالعه کردن را ندارند. البته عوامل جنبی دیگری نیز مؤثر است ولی ریشه اصلی این معضل را باید در دوران دبیرستان جستجو نمود.

بنابراین، توجه باین نکته از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است که باید تصمیمی اتخاذ گردد که کتابهای درسی و ساعات کلاس درس بگونه‌ای برنامه‌ریزی و تنظیم شود که از یک جهت وقت کافی برای یادگیری دروس وجود داشته باشد و از جهت دیگر، مقداری وقت بیکاری پیش‌بینی شود که دانش‌آموز از این فرصت «اوقات فراغت» در زمینه‌ایکه مورد علاقه‌اش میباشد فعالیت کند، تا بتواند مطالعه، تحقیق و تجربه نماید و خلاقیت و ابتکاری از خود نشان بدهد. لاقلاً پیش‌بینی فرصتی غیر از رسیدگی به درس و مشق و کتاب و مدرسه این حُسن را خواهد داشت که از خلاقیت، ابتکار و اندوخته علمی و عملی دیگران، برای ارتقاء سطح دانش و ارزش خود بهره می‌برد. و همچنین از این طریق درمی‌یابد که برای بالا بردن سطح اطلاعات و اندوخته فکری، تنها کتاب خواندن نیست بلکه وسایل دیگری مانند رادیو، تلویزیون، سینما، مطبوعات و غیره نیز وجود دارند که میتواند این رسالت را بانجام برساند!

رتال جامع علوم انسانی



می‌مانند. بعنوان نمونه، اگر دانش‌آموزی در کنار درس خواندن مثلاً قصه هم می‌نویسد، قطعاً از نظر درس کلاسی بسیار ضعیف هست و چنانچه باین فعالیت ادامه بدهد، آنگاه نه نویسنده مطلوبی میشود و نه دانش‌آموز خوبی بیار می‌آید که چه بسا در ردیف دانش‌آموزان مردودی هم قرار بگیرد!

چون تحصیل در مدارس، یکی از اصول برجسته جسامه محسوب میشود و اگر دانش‌آموزی بعلت فعالیت داشتن در زمینه‌های غیردرسی، از درس و کلاس عقب بماند، روشن است که، والدین اجنازه فعالیت فوق برنامه را به فرزندان خود نخواهند داد و از طرفی هم، خود دانش‌آموز باین فعالیت که مانع از تحصیلات گردد، راضی نمیشود.

توقع و انتظاری که بطور کلی، نظام آموزش و پرورش، والدین، بویژه معلم از دانش‌آموز دارد این است که، لاقلاً گفتاریکه در کلاس تدریس میشود، در رابطه با همان گفتار، مطالبی خارج از کتاب درسی مطالعه کند و این مسئله را تمام دبیران با شیوه‌های مختلف تأکید دارند. اما با کمال تأسف اکثریت قریب با اتفاق، هیچگونه علاقه‌ای در هیچ مورد به مطالعه نشان نمیدهند و این مسئله بعنوان یک معضل، بارها و بارها مورد بحث قرار گرفته است و نتیجه‌ایکه بدست آمده این است که، در وهله اول فرصت کافی برای آماده کردن درس کلاسی وجود ندارد تا چه رسد باینکه به مطالعه غیردرسی بپردازد.

دوم اینکه، تمام وقت دانش‌آموز حتی جمعه، با کتاب و درس سیری میشود، از این جهت از هرچه کتاب و درس و مشق و مطالعه بیزار میشوند و رغبتی به مطالعه نشان نمی‌دهند. و این بیزاری و عدم رغبت به مطالعه تا چندین سال بعد از فارغ‌التحصیل شدن نیز در آنها وجود دارد، بطوریکه مشاهده میشود، بسیاری